

روضۃ الشجر



مولانا کمال الدین حسین

واعظ کاشمی

تصحیح و تحشیہ

دکتر محمد روشن

سرسناسه:	کاشفی، حسین بن علی - ۹۱۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور:	روضه الشهداء/ مولا کمال الدین حسین واعظ کاشفی یبھقی، با تصحیح و تحشیه محمد روشن.
مشخصات نشر:	تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری:	۵۹۰ ص.
شابک:	978-964-6494-88-6
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع:	روضه خوانی - متون قدیمی تا قرن ۱۲؛ واقعه کربلا، ۶۱ ق
شناسه افزوده:	روشن، محمد، ۱۳۱۲ -
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ ر ۹۲ کی / ۴ / ۲۶۰ BP۲۶۰
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۷۴۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۳۹۰۴۲۶



شبگیر

با همکاری نشر شبگیر



صدای
معاصر

فروشگاه، فلکه دوم تهرانپارس، خ جشنواره، شماره ۲۲۹، تلفن ۷۷۲۹۰۴۴۶ — ۷۷۷۰۲۷۶۸
دفتر مرکزی، انقلاب، خ ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، شماره ۱، تلفن ۶۶۹۶۷۰۱۲ — ۶۶۹۵۹۲۴۴
مرکز پخش، تلفن ۶۶۹۶۵۰۱۲

روضه الشهداء

مولا کمال الدین حسین واعظ کاشفی بهقی

با تصحیح و تحشیه دکتر محمد روشن

چاپ اول، ۱۳۹۰ ه. ش. — تهران

حروف نگار، پریسا محمدی

صفحه آرایی، اصغر قلی زاده

طرح جلد، احمد آفاقلی زاده

لبتوگرافی، صدف

چاپ، چاپخانه مهارت

صحافی، رنوف

تیراژ، ۱۱۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۴۹۴-۸۸-۶

ISBN: 978-964-6494-88-6

Printed in Iran

۱۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱		مقدمة مصحح
۲۶		مذهب کاشفی
۲۹		روضة الشهداء
۳۹		باب اول: در ابتلای جمعی از انبیا علی نبینا وعلیهم الصلوات و السلام
۳۹		نخست ابوالبشر آدم صفی الله علیه السلام
۵۰		در بیان ابتلای نوح علیه السلام
۵۵		بیان ابتلای ابراهیم علیه السلام
۶۸		بیان ابتلای یعقوب و یوسف علیه السلام
۹۶		بیان ابتلای ایوب پیغمبر علیه السلام
۹۹		ذکر ابتلای زکریا علیه السلام و یحیی علیه السلام
		باب دوم: در جفای قریش و سایر کفار با حضرت سید ابرار علیه صلوات الملک انجبار
۱۰۷		و شهادت حمزه عبدالمطلب و جعفر طیار
		باب سیم: در وفات حضرت سید المرسلین علیه افضل صلوات المصلین
۱۴۱		و علی عترته و اسرته اجمعین
۱۶۹		باب چهارم: در بعضی از احوال سیده النساء فاطمه زهرا از وقت ولادت تا زمان شهادت ..

باب پنجم: در بعضی از اخبار و حالات مرتضی علی از زمان ولادت تا هنگام شهادت ۲۰۵

باب ششم: در بیان فضایل امام حسن و بعضی از احوال وی از ولادت تا شهادت ۲۴۳

باب هفتم: در مناقب امام حسین از ولادت آن حضرت

و بعضی از احوال وی بعد از وفات برادر ۲۶۵

باب هشتم: در ارسال مسلم بن عقیل بن ابی طالب

و قتل بعضی از فرزندان او رضوان الله علیهم اجمعین ۲۸۹

باب نهم: در رسیدن امام حسین به کربلا و محاربه نمودن با اعدا و

شهادت آن حضرت و اولاد و اقربا و سایر شهدا رضوان الله تعالی علیهم اجمعین ۳۲۹

بیان شهادت حسین بن یزید ریاحی ۳۷۳

با برادر و پسر و غلامش ۳۷۳

ذکر شهادت زهیر بن حسان الاسدی ۳۸۰

شهادت عبدالله بن عمرو کلبی ۳۸۵

شهادت بُریر بن خضیر همدانی ۳۸۶

ذکر شهادت وهب بن عبدالله الکلبی ۳۸۸

شهادت عمرو بن خالد و پسرش ۳۹۳

شهادت سعد بن حنظله تمیمی ۳۹۴

شهادت عمرو بن عبدالله ۳۹۴

شهادت حماد بن انس ۳۹۵

شهادت وقاص بن مالک ۳۹۵

شهادت شریح بن عبید ۳۹۵

شهادت مسلم بن عوسجه اسدی ۳۹۶

شهادت پسر مسلم بن عوسجه ۳۹۸

شهادت هلال بن نافع بجلی ۳۹۹

شهادت عبدالرحمن بن عبدالله یزنی و یحیی بن سلیم مازنی ۴۰۰

شهادت عبدالرحمن بن عروه ۴۰۰

شهادت مالک بن انس بن مالک ۴۰۱

۴۰۱	شهادت عمرو بن مطاع الجعفی
۴۰۲	شهادت قیس بن منبه
۴۰۲	ذکر شهادت هاشم بن عتبہ
۴۰۶	ذکر شجاعت و شهادت فضل بن علی علیهما السّلام
۴۰۷	شهادت حبیب بن مظاهر
۴۰۹	شهادت حریره غلام
۴۰۹	شهادت یزید بن مهاجر جعفی
۴۱۰	شهادت انیس بن معقل اصبحی
۴۱۰	شهادت عابس بن شیب شاکری و غلام او
۴۱۱	شهادت حجاج بن مسروق
۴۱۲	شهادت سیف بن حارث سریع و مالک بن عبدالله سریع
۴۱۲	ذکر شهادت غلام توکی رضی الله عنه
۴۱۴	شهادت حنظله بن سعد
۴۱۵	شهادت یزید بن زیاده
۴۱۵	شهادت سعد بن عبدالله الحنفی
۴۱۶	شهادت جناده بن حارث و عمرو بن جناده
۴۱۶	شهادت مرّة بن ابی مرّه
۴۱۶	محاربه و شهادت محمد بن مقداد و عبدالله بن ابودجانه
۴۱۷	شهادت شش تن از موالیان
۴۱۸	ذکر شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل
۴۲۰	ذکر شهادت جعفر بن عقیل و عبدالرحمن ابن عقیل
۴۲۱	شهادت محمد بن عبدالله بن جعفر
۴۲۲	شهادت عون بن عبدالله
۴۲۳	ذکر شهادت عبدالله بن حسن علیهما السّلام یا سه تن از غلامان
۴۲۹	ذکر شهادت قاسم بن امام حسن
۴۴۰	شهادت ابوبکر بن علی
۴۴۱	شهادت عمر بن علی
۴۴۲	شهادت عثمان بن علی
۴۴۲	شهادت عون بن علی
۴۴۴	شهادت جعفر بن علی

۴۴۴	 شهادت عبدالله بن علی
۴۴۵	 شهادت عباس بن علی
۴۴۹	 ذکر شهادت علی اکبر علیه السلام
۴۵۷	 شهادت علی اصغر
۴۵۹	 ذکر شجاعت و شهادت امام حسین علیه السلام

باب دهم: در وقایعی که اهل بیت را بعد از واقعه کربلا پیش آمده

۴۷۳	 و عقوبات مخالفان که مباشر آن حرب شدند
۴۷۳	 فصل اول
۴۷۳	 در وقایعی که بعد از حرب کربلا مراهل بیت را واقع شده
۵۲۳	 فصل دوم
۵۲۳	 در عقوبت قاتلان امام حسین علیه السلام
۵۳۱	 خاتمه: در ذکر اولاد سبطین و سلسله نسب بعضی از ایشان
۵۳۲	 مقصد اول
۵۴۲	 مقصد ثانی: در ذکر عقب سبط شهید ابی عبدالله الحسین
۵۴۲	 فصل اول: در عقب امام زین العابدین علیه السلام
۵۴۷	 فصل دوم: در ذکر عقب امام محمد باقر علیه السلام
۵۴۸	 فصل سوم: در ذکر عقب امام جعفر صادق علیه السلام
۵۵۰	 فصل چهارم: در عقب امام موسی کاظم علیه السلام
۵۵۳	 فصل پنجم: در عقب امام علی بن موسی الرضا علیه التحية و الشنا
۵۵۴	 فصل ششم: در عقب امام محمد تقی علیه السلام
۵۵۵	 فصل هفتم: در عقب امام علی هادی اعنی امام علی التقی علیه السلام
۵۵۶	 فصل هشتم: در عقب امام حسن بن علی عسکری علیه السلام
۵۵۶	 فصل نهم: در ذکر امام محمد بن الحسن علیه السلام

۵۶۱	 نمایه
-----	-------------

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه مصحح

کمال‌الدین حسین بن علی کاشفی سبزواری بیهقی از دانشمندان و نویسندگان نام‌آور و پراثر سده نهم و آغاز سده دهم هجری است. وی زاده نیمه نخستین قرن نهم در قصبه بیهقی شهر سبزوار است که به اعتبار نگاشته‌های متنوع سودمند خود آوازه‌ای بسزا یافت. از سوی دیگر از بخشایش موهبت صوت خوش و روایی کلام برخوردار بود که بر منبر تذکیر و وعظ که مایه روی آوری مردم به سوی وی می‌گردید، مجالسی پرشور و حال، با بانگی خوش و بیانی دلپذیر داشت که سرشار از اطلاعات دینی با کلام ایزدی و مواعظ حکمی بود، و با این همه بر جاذبه سخن خود می‌افزود. چنانکه مایه دل‌بستگی‌های وافر شنوندگان می‌گشت.

باید اذعان داشت که با وجود برخورداري ملاحسین کاشفی از این موهبت‌ها که مایه جذب و جلب مستمعان و مردمان می‌گردید، او از دانشهای عصر خود نیز بهره تمام داشت و با مجالست با بزرگان دانشوران عصر خود، بر اندوخته‌های علمی خود می‌افزود، و استعداد خدادادی وی نیز مؤید و مدد‌رسان آموزشهای مجذانه وی می‌گشت. شهرت و آوازه وی ناگزیر به دور و نزدیک می‌رسید، و خواستاران دانش و معرفت وی در دیگر شهرها او را به تنه‌ا فرا می‌خواندند. او از شهر خود، سبزوار به نیشابور رفت و از آنجا عازم مشهد گشت. چنانکه پسر ملاحسین فخرالدین علی صنی در نگاشته خود رشحات عین‌الحیات نوشته؛ و معصوم علی‌شاه، از او در طرائق الحقایق نقل کرده، در ماه ذی‌الحجه ۸۶۰ هـ. در مشهد، خواجه سعدالدین کاشغری از بزرگان

مشایخ نقشبندی را که در ماه جمادی الآخر همان سال درگذشته بود، به خواب دید که او را به خانه خود فرا می خواند. ملاحسین در جستجوی آن بزرگ به هرات رفت، و در آنجا به هنگام زیارت مزار خواجه با مولانا نورالدین جامی ملاقات کرد و به او در پیوست و طریقت نقشبندیان پذیرفت. پس در همان شهر ماندگار شد، و ضمن کار تذکیر و موعظه به کار تصنیف و تألیف ادامه داد؛ و در این میان با رجال و شهزادگان آشنایی و مجالست یافت، و چون نوبت پادشاهی به سلطان حسین میرزای بایقرا رسید، بر شهرت و مرتبت او افزوده گشت، و در خدمت امیر علیشیر نوایی به مرتبتی بلند رسید. امیر علیشیر در کار تصنیف و تألیف او را به انواع تشویقات مفتخر می داشت، و در کار تذکیر و وعظ و خطابت ترغیبش می کرد. برنامه وعظ و سخنوری ملاحسین گسترش یافت. هر بامداد روز آدینه در دارالسیاده مجلس وعظ به پا می داشت، و به نیمروز همان روز در مسجد جامع علیشیر، و هر سه شنبه در مدرسه سلطانی و به چهارشنبه بر سر مزار یکی از مشایخ، خواجه ابوالولید احمد وعظ می کرد؛ و البته کار تألیف و تصنیف را فرو نمی نهاد تا به سال ۹۱۰ هـ به بخشایش ایزدی پیوست.

به اشارتی یاد کردیم که درباره اعتقادات ملا حسین کاشفی سخنی قطعی نمی توان گفت. در پاره ای نواحی او را به رفض متهم می دارند، و در ناحیتی دیگر سنی اش می پندارند؛ چون پسرش فخرالدین علی پدر را — ملاحسین — بتصریح پیرو طریقت نقشبندیان، که همگان پیرو اهل سنت اند می شمارد، مسلم می شود که وی سنی مذهب بوده است؛ هرچند بدرستی بدین نکته آگاهی داریم که شهر سبزوار از عمده مراکز پایگاههای شیعیان است؛ ملاحسین مردی عالم و آزاده و محدث و عارف بود که در فنون ادب نیز مرتبتی بلند داشت، و اسیر پنجه تعصب نبود آثار او متنوع و متعدد است و در موضوعات گوناگون ادبی و دینی و علمی صاحب تالیفات گزیده است.

۱. جواهرالتفسیر لثحفة الامیر. تفسیری از قرآن مجید است به نام امیر علیشیر نوایی، که فواید بسیار دارد که در جای دیگر همانند آن باز نمی توان یافت، و دارای مقاصد بلند و احادیث کمیاب و نکات لطیف که جاذب اهل حال و دل است؛

۲. انوار سهیلی. و آن برگرفته و بازنویسی از کلیله و دمنه اثر نامبردار نصرالله منشی است که از روی کتابی هندی که آن مأخوذ از مجموعه ای به نام پنجه تنتره، و بخشی برگرفته از مهابهاراتا است که به روزگار خسرو انوشیروان به وسیله پزشک دانادل برزویه طبیب از هندی به زبان پهلوی ترجمه شده بوده است؛ و این مجموعه پهلوی بعدها به زبان سریانی نقل شده، و عبدالله بن مقفع آن را به زبان عربی بازگردانیده است؛ و آن ترجمه مأخذ نقل فارسی کلیله و دمنه بهرامشاهی گشته است. کلیله و دمنه نصرالله

منشی مجموعه‌ای از قصص و حکایات اخلاقی به نثر فارسی است که به سالهای ۵۳۸-۵۳۹ ه. ق از روی ترجمه عربی عبدالله بن مقفع نقل شده است. نام کتاب فرضی دو شغال است، یکی کليلة و دیگری دمنه که به دربار شیر، پادشاه حیوانات منسوب‌اند؛ و چند باب اول کتاب شامل گفتگوها و مفاوضات آنهاست که پیشتر بدان اشارت رفته است.

انوار سهیلی که از آثار بسیار معروف کاشفی و تحریری جدید از کليلة و دمنه است به نام شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین میرزای بایقرا، در چهارده باب و یک مقدمه تدوین شده است.^۱

ترجمه‌های متعدّد از کليلة و دمنه به نظم و نثر شده است و از آن جمله است: ترجمه منظوم رودکی که جز ابیات پراکنده‌ای از آن به جای نمانده است. پس از آن مولانا بهاءالدین احمد بن محمود طوسی متخلّص به قانعی که از مقابل سیل هجوم مغول به سال ۶۱۷ ه. ق از خراسان گریخته، و از آنجا راه بلاد روم پیش گرفته، و در ظلّ عنايات سلطان علاءالدین کیتباده سلجوقی قرار یافته؛ و او و دوتن دیگر از جانشینانش یعنی غیاث‌الدین کیکسرو (۶۴۲-۶۴۴ ه. ق) و عزالدین کیکاسوس (۶۴۲-۶۷۸ ه. ق) را مدح کرده و قریب چهل سال مذاح این خاندان بوده است.

قانعی مدّت چهل سال مشغول نظم وقایع سلطنت سلاجقه روم بوده که بالغ بر سی مجلد و سیصد هزار بیت می‌شده، و علاوه بر آن کتاب کليلة و دمنه را نیز به نام عزالدین کیکاسوس، یکی از ملوک سلجوقی آسیای صغیر، در بحر مستقارب به نظم درآورده است که نسخه‌ای در کتابخانه ملک، به شماره ۵۹۴۰ موجود است؛ و نسخه‌ای دیگر از این منظومه به نشانه ۷۷۶۶ در موزه بریتانیا که به سال ۱۴۵۹ = ذی‌قعدة ۸۶۳ ه. ق استنساخ شده در دست است؛ و به سال ۱۳۵۸ خ در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به تصحیح ماگالی تودوا منتشر گردیده است.

۳. جامع‌التّین. در تفسیر سورة يوسف است به زبان عرفا و اصطلاح آنان.^۲

۴. مواهب علیّه. معروف به «تفسیر حسینی»، به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا؛ این تفسیر جامع را کاشفی به سال ۸۹۹ تألیف نمود.

۵. مختصر الجواهر. خلاصه‌ای از جواهر التفسیر در تفسیر قرآن کریم.

۶. روضة الشهداء. در ذکر مصیبت اهل البیت و واقعه کربلا، و از مقتل‌های مشهور

۱. این متن به تصحیح و تحفیه محمّد روشن در انتشارات صدای معاصر منتشر گردیده است.

۲. جامع‌التّین، جز فضاء یوسف (ع) است که به اهتمام محمّد روشن در سلسله انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب چهاربار به جاب رسیده است و املاى محمّدین زید طوسی است.

زمانه است. این کتاب پس از تألیف شهرت بسیار یافت، و در مجالس تعزیت شهیدان کربلا بر منبرها خوانده می‌شد، و به همین سبب آن مجالس را «روضه خوانی»، و خواننده کتاب را «روضه خوان» نامیدند. این کتاب به سال ۹۰۸ هجری به نام میرزا مرشدالدین عبدالله نواده دختری سلطان حسین میرزای بایقرا در ده باب و یک خاتمه تألیف شد. فضولی بغدادی (م ۹۷۰ ه) و جامی قیصری آن را به ترکی ترجمه کردند.

۷. اخلاق محسنی. از جمله کتابهای مشهور قرون اخیر در اخلاق است که به نام ابوالحسن میرزا فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا به سال ۹۰۰ ه نگاشته شد.

۸. مخزن الانشاء. در فنّ ترسل و شیوه نامه‌نگاری برای طبقات گوناگون اجتماع است. کاشفی این کتاب را برای سلطان حسین میرزا بایقرا و امیر علیشیر نوایی به سال ۹۰۷ نوشته است. در همین سال کتاب دیگری به نام صحیفه شاهی در انشاء ترتیب داد.

۹. اسوار قاصسی. در سحر و طلسمات و کیمیا. از این کتاب تلخیصی به دست فخرالدین علی پسر ملاحسین کاشفی فراهم آمد.

۱۰. بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. در ذکر صناعات ادبی.

۱۱. کتاب السبعة الکاشفة. مشتمل بر هفت رساله در احکام کواکب: لوانج القمر، میامن المشتري، سواطع المریخ، لوامع الشمس، مناهج الزهره، منایح العطار، مواهب الزحل.

۱۲. رساله حاتمیه. در ذکر حکایاتی درباره حاتم طایی که به سال ۸۹۱ به نام سلطان حسین میرزای بایقرا نوشته شد.

۱۳. لب لباب مثنوی. پس از تألیف لباب معنوی فی التخاب مثنوی به راهنمایی مسیب نامی از بزرگان دربار هرات، خلاصه کوچکتری از آن پرداخته است.

۱۴. فتوت نامه سلطانی. در فرهنگها فتوت به ضمّ اول و دوم و تشدید و فتح سوم را «جوان مردی و مردمی» معنی کرده‌اند. (منتهی الارب). استاد روانشاد دکتر محمدجعفر محبوب در ادامه گفتار می‌نویسد: در عصر جاهلی فتوت را مجازاً به معنی شجاعت و فتی را به معنی شجاع می‌گرفتند... بدین ترتیب در عصر جاهلی دو معنی مجازی برای لفظ فتی پدید آمد: شجاعت و سخاوت؛ و عرب این دو صفت را از تمام صفات پسندیده‌تر و ستوده‌تر می‌دانست... مشتقات گوناگون کلمه فتوت را در کشف‌الآیات فولگل هشت بار در قرآن کریم دیده‌ام: فتی (۶۱/۱۲)، فتیان (۳۶/۱۲)، فتیه (۱۳/۱۸)، الفتیه (۱۰/۱۸)، لفتیه (۵۹/۱۸)، فتیه (۳۰/۱۲)، لفتیانیه (۶۲/۱۲)، و فتیاتکم (۲۴/۴) — نیز بنگرید: فتوت نامه سلطانی. مولاحسین واعظ کاشفی سبزواری. به اهتمام دکتر محمدجعفر محبوب، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص هشت.

بی‌گمان بخش عمده مطالب فتوت‌نامه سلطانی، خاصه آن قسمتهایی که مربوط به اصل آیین جوانمردی و آداب و ترتیب کمر بستن و وارد شدن در این حزب است از قبیل انواع شد و طرز پختن حلوا و انواع آن و تشریفات نوشیدن آب و نمک و روشن کردن چراغ پنج فتیله و سایر سنت‌ها و رسوم آن، در هیچ کتابی نیست، و سینه به سینه نقل شده است، و اتفاقاً ارزش اصلی کتاب مولانا حسین نیز مربوط به این قسمتهاست.

مولا حسین کاشفی را آثار دیگری بوده است که در کتابهای مراجع چون: ریحانة الادب، دانشمند شادروان محمدعلی مدرس تبریزی، ج ۵-۶؛ و تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، ج ۴ از آن آثار یاد شده است. وفات کاشفی به نگارش مدرس تبریزی در ریحانة الادب به سال نهصد و دهم و یا ششم هجری قمری در هرات واقع شد، و بنا بر اول لفظ شیخ و بنا بر دومی کلمه شوخ ماده تاریخ وفات او می‌باشد.

نکته

در «پادداشتهای مینوی»، جلد اول، رجال، روش تحقیق، به کوشش آقایان مهدی قریب - محمدعلی بهبودی، از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، استاد شادروان مجتبی مینوی، ذیل «حسین واعظ» نکته‌ای بدیع در یک دویستی آورده است که گویای منافسه‌ای میان آن دو مرد ادیب مولانا جامی با مولا حسین کاشفی است.

مولانا جامی به مولانا حسین واعظ نوشته:

ای کور بگو در سر تو شور چراست
ز اصحاب نبی چشم تو بی نور چراست
شیطان صفتا اگر تو مردود نه‌ای
چشم چپ تو راست بگو کور چراست

(از جنگ نمرة 3429 اسعد افندی ق 114a)

نسخه‌های اساس چاپ:

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۰۰ ف
سرشناسه: واعظ کاشفی، ملاحسین
عنوان و نام پدیدآور: روضه الشهداء [نسخه خطی] ملاحسین واعظ کاشفی
وضعیت استنساخ: قرن نهم ه. ق
آغاز، انجام، انجامه: آغاز نسخه: ای شریعت درد تو وای دل ما آشوب بلای تو عطای دل ما
انجام نسخه: پرنور باد چشم پدر از چنین پسر موفور باد قدر پسر از چنین پدر

معرفی کتاب: ملاحسین کاشفی می‌گوید بنا بر خبر مشهور «من بکی او تباکی وجبت له الجنة» از طرف شاهزاده عبدالله مستهر به میرزا دستور رسید که کتابی «جامع که حالات اهل بلا و اصفیا و شهدا و سایر ارباب ابتلا و احوال آل عبا بر سبیل توضیح و تفصیل» بنگارم. من هم این کتاب را در ده باب و یک خاتمه بدین قرار پرداختم: باب اول: در ابتلا بعضی از انبیا؛ باب دوم: در جفای قریش با حضرت رسالت و شهادت حمزه و جعفر طیار؛ باب سوم: در وفات سید المرسلین؛ باب چهارم: در حالات فاطمه زهرا؛ باب پنجم: در اخبار مرتضی علیه السلام؛ باب ششم: در فضائل امام حسن؛ باب هفتم: در مناقب امام هشتم؛ باب هشتم: در شهادت مسلم بن عقیل؛ باب نهم: در رسیدن امام حسین به کربلا؛ باب دهم: وقایع کربلا؛ خاتمه: در ذکر اولاد و سبطین و شرح حال شاهزاده.

مشخصات ظاهری: ۳۶۲ برگ، ۱۶ سطر کامل، اندازه سطور ۱۱۵×۶۵
یادداشت: نوع کاغذ: دولت‌آبادی
مشخصات ظاهری: خط نستعلیق

تزیینات متن: سرلوحه مذهب و شتجرف و لاجورد و سبز، سرفصلها و عبارات با مرکب قرمز، وری اسما آ اعلام با مرکب قرمز خط‌کشی شده، جدول دور سطور زر و سیاه و قرمز و آبی

تزیینات جلد: تیماج، ماشی، ترنج و نیم‌ترنج، گوبیده، مقواتی، ۲۰۵×۱۲۵
http://dl.nlai.ir/UI/d7349e17-a958-4d7b-8289-

دسترسی و

a14be532a44e/catalogue.aspx

محل الکترونیکی:

سرلوح مذهب و مصور

آغاز:

ای شربت درد تو دواى دل ما آشوب بلای تو عطای دل ما
وز نام حبيب تو صفای دل ما از نامه مهر تو شفای دل ما
تم الكتاب الموسوم به روضة الشهداء فى تصنيف حضرت فضایل مآب تقوى شعار مولانا کمال الدین
حسین الواعظ الکاشفى رحمة الله عليه برکاته. تحریراً فى شهر ربیع الاول سنة اربع و ستين و تسع مائه (۹۶۴)
آمین یا رب العالمین.

غریق رحمت یزدان کسى یاد که کاتب را به الحمدی کند یاد

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۲۲ ف

سرشناسه: کاشفی، ملا حسین

عنوان و نام پدیدآور: روضة الشهداء [نسخه خطی] ملا حسین کاشفی

وضعیت استنساخ: قرن نهم

آغاز، انجام، انجامه: آغاز نسخه: بسمله.

ای شربت درد تو دواى دل ما آشوب و بلای تو عطای دل ما
از نامه حمد تو شفای دل ما وز نام حبيب تو دعای دل ما
انجام نسخه: والصلوة والسلام على سيد الانام و اله و اصحابه اجمعين
الطيبين الطاهرين برحمتك يا ارحم الراحمين

مرفقی کتاب: رک. روضة الشهداء درین فهرست

مشخصات ظاهری: ۲۵۹ برگ، ۲۱ سطر کامل، اندازه سطور ۱۷۰×۹۰

یادداشت: نوع کاغذ: دولت آبادی

مشخصات ظاهری: خط: نستعلیق خوش

تزئینات جلد: تیماج قرمز، ترنج و نیم ترنج، منگنه، کوبیده، مقواتی

تزئینات متن: سرلوحه مذهب و زر و شجره و لاجورد و سبز، سرفصلها با

مرکب قرمز، عبارات عربی و اسماً اعلام با مرکب قرمز و آبی، جدول دور

سطور زر و سیاه و آبی، میان مضاربع دو جدول زر و سیاه

http://dl.nlai.ir/UT/5f2fbc4c-2c5c-4c32-80de-

دسترسی و محل الکترونیکی:

b856f847c87c/Catalogue.aspx

آغاز برگ اول مزین است: بسم الله. دو بیت شعر...

پایان برگ اول: به تاراج حادثات یا اخراج زکوة و صدقات والانفس بنفقان (۲)

قرمز

پایان: برحمتك يا ارحم الراحمين تم تم تمت تم

کتابه الفقير الحقير المحتاج بعنايت الله رب العالمين العبد المعجز المذنب محمد بن زين الدين: غفرالله

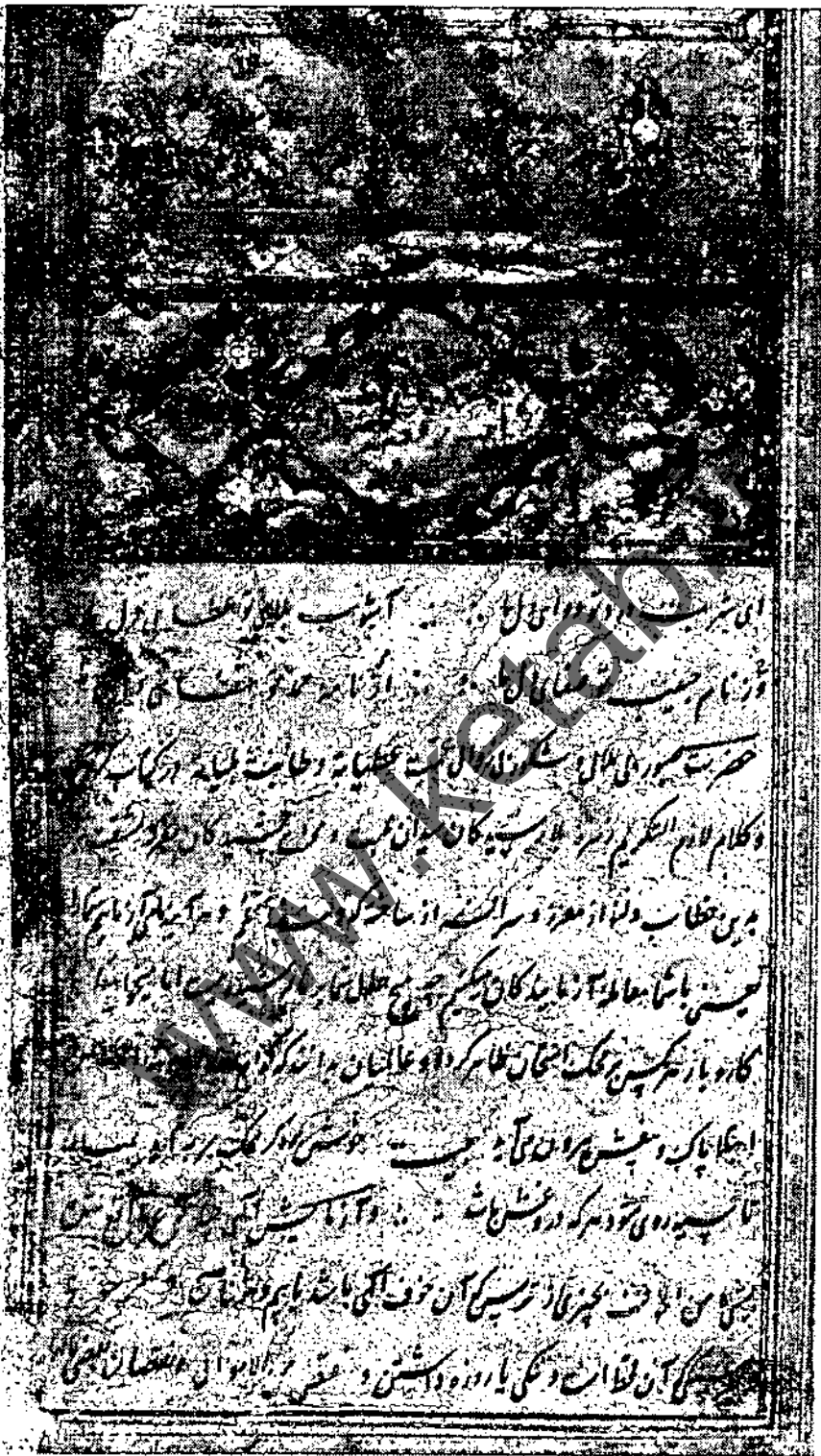
تعالى له و لوالديه و احسن العباد طيبه عتبه و كمال كربه و صلى الله على محمد و آله و اصحابه اجمعين

حرر في تاريخ سنة ست و ستين و تسعماية (۹۶۴) ثاني شهر محرم الحرام يوم السبت في التاريخ.

غریق رحمت رحمان



ای شریف در نورانی لاله آشوب های تو عطای دل ماه از ماه چه بر شایان
 و زمان چه تو صفی دل ماه حضرت صدوری عال و سکوری زوال غت علیا
 و مات بنیاد در کتاب کرم و کلام کلام الت کرم زمین بار سپیدکان میدان محبت
 و محبت کشیدکان سر که شفت و این خطاب و نواز مغز و سر و ساز ساخت که و
 لبندونکم و سر از برای از نامش را عیسی با شایان که از ایندکان فی کیم چه سیح
 حال شمار با و شیدیت اما بنحو ایم که عیار کار و دانا کس بر یک ایجان ظاهر
 که در دو عالمین این سپید که کدام غت در از خاص ایندکان و فی غش بیرون کی این
 خوش بود که محک بجزای ایمان به تار زوی شود سر که در و غش و آرایش
 الهی بکند نوع و رایت و این شده بی من الخوف بجزای از ترس که آن خوف آبی باشد
 با هم دشمن و الخوف و کسب کی که این قطرات و تنگی بار دوزخ و دشمن و بعض
 من الاموال و بعضان بعضی اما با تاج حاد ثبات یا اجلاج زکات و صدقات
 در انفس و بعضان و بعضی که آن عیاری باشد و ضعف و عجز و احتیاج و
 بی نوازی و الثمرات و بعضان بر ما و لطف حصولات با فایده ارضی و مادی یا یک



ای سر است در دوا اولی
و ز نام حبیب و طاهر
حضرت صوری عالی
و کلام لایع التکریم
برین خطاب و لیا از معز و سر
نویسن با سنا معارف
کار بار کبر پس ز ملک
ایچا پاک و پیش بر و ن
تاسید روی خود هر که
پیش از آن وقت
پیش از آن که

برب فوق و حضور است و واسطه عیش و سرور و عمر کنش اینجا می چند
 سیکوید که ابوالمفاخر ترجمه آن برین وجه آورده است
 مرا بخواند عبید الله از میان عرب ^{برازی} فرمود در دلم از خواندنش نه از رقب
 مرا ایادت روی داد و گفت عرب حسین ^{است} قبول کن که از تو ملک راست مشور و شعب
 بلکه بی دل من مالک و میر استم ^{است} ز که دیکار من از کشتن امیر عرب
 چگونه تیغ کشم در رخ کسی که است ^{است} شجاعت و نبوغ و علم و حلم و فضل و ادب
 سزای قاتل او و زحمت و سبایم ^{است} که این چنین عمل آورد خدا ایراد غضب
 ولی چو نمی گرم در ری و حکومت او ^{است} ز دل میزهم خوف نار ذات کعب
 آورده اند که حمزه بن مغیره که خواهر زاده عمر خنسن بود چون دید که خاش
 عزیمت محاربت با امام حسین کردم کرده بنزدیک وی آمد و گفت ای خالی
 توجه بحر با امام حسین یکی از کنایان بزرگ است پس تسلیم قطع رحم و موجب
 اشتها دفع و پوفای تو مرکب چنین امر چو ای عیسی گفت اگر چنین کنم
 ایالت و حکومت بمن بفرستد حمزه گفت بخدا سوگند که هرگز ایادت
 و خروج از دنیا بهتر از آنست که نزد خدای روی و خون امام حسین در کردن
 تو باشد پس سعد در اندیشه او و دراز افشا و خواست که عزیمت رافغ
 نماید عاقبت حب جاه و دیده بصیرت او را پوشانیده در چاه افکند



کلیشه خط دانشمند بزرگوار ملاحسین واعظ کاشفی در پشت کتاب صحیفه الرضا

که نسخه آن در کتابخانه مسجد اعظم قم می باشد.

ترجمه حال مؤلف به قلم حضرت آیه الله

آقای حاج شیخ ابوالحسن شعرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

مؤلف کتاب روضة الشهدا کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی از بزرگان علم دین و ارکان مؤلفین و اساتید ادب و نثر نویسان فارسی است، و نظیر او را روزگار کمتر به یاد دارد درمائه نهم می زیست؛ و گویند شوهر خواهر ملا عبدالرحمن جامی است. اصلاً از مردم سبزوار است و در این شهر به وعظ می پرداخت. پس از آن چندی به نیشابور و از آنجا به مشهد مقدس رفت و در آنجا نیز به وعظ اشتغال داشت؛ پس از آن به هرات رفت و در عهد سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا (۸۸۳ ۹۱۱) و در دربار او نهایت اعزاز و احترام دید. وزیر دانش پرور او امیر علیشیر نوائی او را تشویق بسیار می کرد و به تألیف و تصنیف ترغیب می فرمود، چون هم در علوم دینی و انواع آن به حد کمال بود و هم در نویسندگی و ادب از بزرگترین اساتید فن خویش، و کمتر این دو کمال در کسی مجتمع باشد و آنکه جمع دارد باید قدر خویش بداند، وقت بیهوده از دست ندهد که مردم از او فائده بسیار برند، و اتفاقاً امیر علیشیر ارزش او را دانست و قدر او را شناخت.

صبح هر روز جمعه در دارالسیاده سلطانی هرات موعظه می‌کرد و خطبه غاز جمعه را در مسجد امیر علیشیر می‌خواند سه‌شنبه و چهارشنبه در مدرسه سلطانیه هرات وعظ می‌کرد، و روزهای پنجشنبه در حظیره سلطان احمد برای دیدار مردم مقیم می‌ماند، و یکشنبه را کاری نمی‌کرد، چنانکه در روضات الجنات آورده است.

از تتبع فهرست و مضامین کتب او بر می‌آید. او با آنکه جامع فنون دینی بوده، در سایر علوم زمان خویش هم مهارت داشت، و اکثر کتب خود را به فارسی نوشته بلکه به زبان عربی کتابی از او به یاد نداریم:

۱. از جمله کتاب جواهر التفسیر است بسیار بزرگ و مفصل در روضات الجنات گوید مقدمات تفسیر فوائد بسیار دارد که در جای دیگر یافت نمی‌شود، و مقاصد بلند و احادیث کمیاب و نکات لطیف که دل اهل دل را به خود می‌کشاند، و مجلد اول آن که مشتمل بر پنجاه هزار بیت است از جزء پنجم قرآن نگذشته است، و اگر به پایان می‌رسید، سیصد هزار بیت می‌گشت؛ اما در دست ما بیش از همان جزء اول نیست، و دیگری نوشته است از ۸۹۰ تا ۸۹۲ به نوشتن این جزء مشغول بود، والله العالم.

۲. و از جمله کتب او مختصر تفسیر جواهر است تا آخر قرآن مشتمل بر بیست هزار بیت.

۳. تفسیر دیگری معروف به مواهب العلیه که مشهور و متداول است.

۴. کتاب تفسیر سورة یوسف تفسیری است به زبان عرفا و اصطلاح آنان.

۵. دیگر از کتب وی انوار سهیلی است، و آن تصرّفی در کلیله و دمنه معروف است و پاره‌ای حکایات دیگر بر آن افزوده است، اگر چه غرضش تسهیل عبارت و کاستن لغات عربی و جمل و امثال غیر مأنوس ادبی است، ولی اهل سخن دانند هر چه از محاسن اصل کتاب کاسته به جای آن چیزی که جبران آن نقص کند نیفزوده، و کلیله اصلی با همه لغات عربی و عبارات معقد بر انوار سهیلی ترجیح دارد. باری انوار سهیلی را برای مردی به نام امیر احمد سهیلی نوشته است.

۶. اخلاق محسنی به نام ابوالحسن فرزند سلطان حسین میرزا با یقرا نوشته است به سال ۹۰۰ ه. ق.

۷. مخزن الانشاء روش نامه نگاری است در آن عهد که هر کس را به چه عنوان یاد کنند و ختم و ابتدا و سایر محاسن نامه چیست.
 ۸. کتاب در فضیلت صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله.
 ۹. کتاب در اختیارات نجوم.
 ۱۰. کتاب الاربعین در احادیث موعظه.
 ۱۱. کتاب شرح اسماء الله الحسنى.
 ۱۲. کتاب در ادعیه و اورادی که از بزرگان دین روایت شده است.
 ۱۳. کتاب در علم حروف.
 ۱۴. کتاب اسرار قاسمی در طلسمات و امثال آن.
 ۱۵. کتاب السبعة الکاشفة مشتمل بر هفت رساله در علم نجوم.
 ۱۶. کتاب بدایع الافکار فی صنائع الاشعار.
 ۱۷. کتاب شرح مثنوی.
 ۱۸. کتاب لب مثنوی.
 ۱۹. کتاب لب لب آن.
 ۲۰. کتاب روضة الشهدا.
- و غیر از این ها کتب دیگر در غیر روضات به او نسبت دادند مانند
- مرآت الصفا فی صفات المصطفی صلی الله علیه و آله.
- تحفة الصلوة.
- ما لا بد منه فی المذهب.
- رسالة علویه.
- رسالة حاتمیه.
- میامن الاکتساب فی قواعد الاحتساب.
- رساله در علم اعداد.
- رساله فیض النوال فی بیان الزوال.
- مواهب زحل.
- میامن مشتری.
- سواطع مریخ.

لوامع الشمس.

مناهج عطارد.

لوائح قر.

دور نیست که این هفت رساله همان السبعة الکاشفیه باشد که از روضات نقل کردیم.

کتاب روضة الشهداء از بلایا و مصائب انبیاء آغاز کرده تا به حضرت خاتم انبیاء علیه السلام و پس از آن از مصائب اهل بیت و تاریخ وفات آنان آورده است و در این معانی مبتکر است و بیشتر آنچه در السنه و افواه مشهور است از آن کتاب است، با اینکه گاهی در تاریخ و پاره‌ای مطالب با روایات دیگر اختلاف دارد. وفات کاشفی به اتفاق مورّخین سال ۹۱۰ هـ بود در هرات، اما تاریخ ولادتش در سبزواری معلوم نیست، و یقیناً از خاندان علم بوده است، و از پدر خویش روایت دارد و مدت عمر وی را نیز نمی‌دانیم، اما ظاهراً عمر طولانی یافت، و هنگام تألیف روضة الشهداء چنان که خود گوید پیر فرتوت بود، و نمی‌توانست رأیت فصاحت در میدان بلاغت بر افرازد و الله العالم.

مذهب کاشفی

گرچه دانستن مذهب مردم فائده معقول ندارد مگر آنچه قاضی نورالله ششتی در مجالس المؤمنین قصد کرده یعنی تکثیر سواد خواسته، چون وقتی عامه مردم بدانند بسیاری از بزرگان حکماء و عرفا و ادبا و عقلا و مردمان برجسته روزگار دوستار اهل بیت و وابسته به آنان بودند بیشتر رغبت در این مذهب می‌کنند، بر خلاف طریقه آنان که هر عاقلی مانند ابوعلی سینا و فارابی و امثال آن‌ها را پی‌دین یا خارج از مذهب دانستند، قهراً سبب می‌شود که مردم بپندارند هر کس عقل نداشت و چیزی نمی‌دانست مسلمان بود، و هر کس چیزی دانست از اسلام بیرون رفت. باری ملاحسین کاشفی یا شیعی بود در باطن یا اگر سنی بود و به مذهب ابوحنیفه تظاهر می‌کرد، در اصول با یک نفر عالم شیعی فرق نداشت و بسیاریانند،

در میان علمای اهل سنت که با شیعه فرق ندارند جز در احترام صحابه، چنانکه در شیعه بسیارند کسانی که در همه عمر حرمت صحابه را در ظاهر محفوظ داشتند.

گر چه بنای تألیفات ملاحسین کاشفی بر روش اهل سنت است، اما هیچ شیعی هم ابتکاری مانند روضة الشهداء نکرده است. قاضی نورالله گوید معاشرت با امرای هرات مخصوصاً با امیر علیشیر او را به تظاهر به مذهب آنها واداشت و گر نه مردم سبزوار پیوسته شیعه بودند و ملاحسین هم در سبزوار متولد شده و پرورش یافته بود. گوید وقتی در مشهد مقدس به تحصیل علم اشتغال داشتم از طلاب و مردم آنجا می شنیدم که چون ملاحسین کاشفی از هرات به سبزوار آمد، مردم سبزوار در پی آزمایش او شدند که آیا در طول غیبت دست از تشیع برداشته است؟ اتفاقاً وقتی بر منبر وعظ می کرد بر زبانش گذشت که جبرئیل دوازده هزار بار بر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرود آمد.

پیرمردی عصا به دست از پای منبر برخاست و پرسید جبرئیل بر علی علیه السلام چند بار فرود آمد؟ ملاحسین متحیر فروماند چه بگوید، اگر بگوید جبرئیل بر علی علیه السلام فرود آمد، به ظاهر دروغ گفته است و اگر بگوید فرود نیامد سبزواریان که در باره او سوء ظن داشتند به چوب و عصا او را می نواختند و کارش می ساختند؛ لاجرم گفت بیست و چهار هزار بار بر علی علیه السلام نازل شد. یکی پرسید بر این چه دلیل داری؟ گفت: پیغمبر فرموده. انا مدینة العلم و علی بابها، یعنی من شهر علمم و علی در آن شهر است، و ناچار کسی که به شهری رود دوبار از در شهر عبور می کند، یکی وقت رفتن و دیگری وقت برگشتن، و به این لطیفه خود را برهانید، و دل مردم خوش کرد.

فرزند کاشفی مولافخرالدین علی مشهور به صنی نیز از فضل و علم پدر بهره وافق داشت و در هرات در وعظ و ارشاد جانشین پدر بوده، و در سال ۹۳۹ درگذشت.

روضۃ الشهداء

به برکت نام ابی عبدالله (ع) کتاب روضۃ الشهداء می توان گفت بیش از هر کتاب فارسی در افکار و عقاید مردم رسوخ کرده و در قلوب آنان مؤثر واقع شده. از مطالب و منقولات آن گذشته تعبیر و سیاق و طرز بیان و کیفیت تنسيق حکایات و مراعات تناسب چنان خوانندگان زمان خود و پس از خود را شیفته خود ساخت که دهان به دهان و قلم به قلم از سینه به سینه و از کتابی به کتابی نقل گردیده است. مهارت نویسنده در وعظ و تسخير قلوب به حدی است که در وصف نمی آید، و از آن باید قیاس گرفت که هنگام حیات در مواعظ شفاهی چه تأثیر در مستمعین می کرده است و به راستی کلمه واعظ مطلق که برای او برگزیده اند به جا بوده است. اگر مذهب تشیع داشت در بیان موضوع داد سخن داده است، و اگر به مذهب اهل سنت بود سبق از شیعیان ربوده است و روش آنان را به آنها آموخته است.

اما کتب و روایاتی که مؤلف از آنها نقل می کند بسیاری در عهد ما موجود نیست. و شاید بعضی را معتبر ندانیم، اما حاشا که چنین مرد سخن بی دلیل آورد. رسم واعظ است آن سخن که بیشتر مؤثر باشد بر می گزینند و هر چه عواطف را در قلوب بیشتر بر می انگیزد انتخاب می کنند، و به شواهدی که در اذهان شنونده جای گیرد مؤکد می سازند، و هر نقل را که مفید این معنی باشد ممنوع نشمارند.

شنونده نباید آن را بیان وقایع تاریخ فرا گیرد، بلکه برای پند و نصیحت بپذیرد. چه بسا وقایع که حقیقه واقع شده و در کتب آورده‌اند از آن پندی نتوان گرفت، و چه بسا افسانه‌ها از زبان حیوانات که در آن پند بسیار است تا چه رسد به نقل ضعیف. باری از نقل ضعیف در روضة الشهداء عجب نباید داشت چون در ادای مقصود واعظ قوی است اگر چه برای مقصود مورخ کافی نیست.

گویند کاشفی روضة الشهداء را دو سال پیش از وفات تألیف کرده است. به سال ۹۰۸؛ و در کشف الظنون گوید فضولی بغدادی آن را ترجمه کرده است به ترکی به نام حدیقة السعداء؛ و روایاتی بر آن افزوده، و فضولی در ۹۷۰ یا ۹۶۳ در گذشت. و نیز گوید جامی مصری آن را ترجمه کرده است و نگفت که جامی که بوده و به چه زبان ترجمه کرد.

در روضات الجنات گوید.

اهل منبر و وعاظ کتاب روضة الشهداء را از همان آغاز تألیف در مجالس بر دست گرفته، عین عبارت را می‌خواندند، و در بیان مصائب اهل عصمت به خواندن از روی آن اکتفا می‌کردند، چون می‌دانستند بهتر از آن نمی‌توانند تقریر کنند، و از این جهت ذاکران مصائب اهل بیت به روضه‌خوان مشهور گشتند؛ زهی سعادت این مرد که در ثواب عمل همه مردم از آن عهد تا خدا خواهد شریک خواهد بود.

این کتاب را کاشفی چنانکه خود گفته است، برای داماد سلطان حسین میرزا بایقرا به نام مرشدالدولة والدین عبدالله المشتهر به سید میرزا تألیف کرده است؛ والله العالم.

کتبه الاحقر ابوالحسن المدعو بالشعرانی